

حقوق پیشگیری از جرم منبع سیاست جنایی

شهرداد دارابی^۱

چکیده

زمینه و هدف: جایگاه حقوق پیشگیری از جرم در پهنه سیاست جنایی به عنوان رشته تخصصی مستقل، در بردارنده سلسله‌ای از مقررات است که به تعیین نهادهای متولی، حدود و ثغور، ضوابط حاکم و ضمانت اجرای لازم در تخطی از مقررات حاکم بر راهبرد پیشگیری از جرم می‌پردازد. این مهم مستلزم کیفی‌سازی و شفافیت قوانین متضمن اقدام‌های پیشگیری از جرم در عرصه علوم جنایی حقوقی است. در این پژوهش سعی شده است ضمن بررسی این اقدام‌ها به عنوان منبع تدابیر کنشی در سیاست جنایی، چالش‌های فرارو و راهکارهای مناسب نیز تبیین شود. **روش‌شناسی:** پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر نوع پژوهش توصیفی-تحلیلی است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، مطالب جمع‌آوری و تحلیل شدند.

یافته‌ها و نتایج: به نظر می‌رسد با توجه به غلبه گونه پیشگیری وضعی از جرم در بیشتر کشورها، جهت‌مند شدن دولت‌ها به سمت ایجاد یک جامعه تحت کنترل و ملازمت نسبی این رویکرد، با تحدید آزادی و حقوق افراد، جدای از لزوم تدوین حقوق پیشگیری از جرم داخلی، تنظیم سندی بین‌المللی با خصیصه الزام‌آور که به طور مصداقی و مبسوط به شرایط بهره‌برداری از این پیشگیری می‌پردازد، در سطح جهانی راهگشا بوده و ضمن مرتفع کردن ابهامات، از توسعه اختیارات دولت‌ها در راستای گسترش پیشگیری‌های موقعیت‌مدار می‌کاهد. ضمن آنکه دقت در تنظیم حقوق پیشگیری از جرم، تدوین کتب دانشگاهی و تدریس این مهم با سرفصل مجزای حقوق پیشگیری از جرم در کنار دیگر رشته‌های مطالعاتی حقوقی قاعده‌مند می‌تواند مبین ارزش الزام‌آوری باشد که با مضامین هنجاری مربوط به راهبرد پیشگیری از جرم مرتبط است.

کلیدواژه‌ها: حقوق پیشگیری از جرم، سیاست جنایی عادلانه، آزادی‌های بنیادین، ضمانت اجرا.

□ استناد: دارابی، شهرداد. (۱۳۹۸). حقوق پیشگیری از جرم منبع سیاست جنایی. *فصلنامه رهیافت پیشگیری*، ۲(۴)، صص ۵۷-۷۶.

مقدمه

موضوع علم سیاست جنایی شیوه پاسخ‌دهی به پدیده بزهکاری است که برآیند نگاه حاکمیت به جرم و انحراف به همراه پاسخ‌های دولتی و جامعه‌ی متضمن سیاست جنایی آن جامعه است. امروزه سیاست‌های کیفری مرسوم که با ابزارهای واکنشی، تنبیهی و سرکوبگر به دنبال مبارزه با جرم هستند، به حداقل موفقیت‌ها نائل شده‌اند و نابسامانی‌های ناشی از ناکارآمدی مجازات صرف، بر بیشتر واضعان سیاست جنایی آشکار شده است؛ حقیقتی که راهبرد پیشگیری از جرم را به عنوان مکمل تدابیر پیش‌بینی شده در سیاست جنایی دولت‌ها برجسته می‌سازد^۱. ناگفته پیداست که جهت‌گیری کلی سیاست جنایی موضوعه یعنی سیاست جنایی تقنینی، قضایی و اجرایی بر اساس رویکرد سیاسی-فلسفی دولت یعنی حاکمیت مستقر به آزادی، برابری و قدرت و نیز به بزه، انحراف، کیفر، کرامت انسانی، حقوق بزه‌دیده، امنیت و مانند آن تعریف و مشخص می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵، ص ۴۸). از نظر بدیهیات عقلی، فرایند تفکرات موجود در عرصه پیشگیری از جرم و سودمندی این مهم در تقابل با ناکارآمدی کیفر نیاز به توجیه ندارد و اهمیت پرداختن به پیشگیری از جرم، آن چنان در اقصی نقاط دنیا برای مسئولان امر مکشوف شده است^۲ که حتی بازگشت به سیاست جنایی سخت‌گیرانه و سرکوبگر به همراه تشدید مجازات‌ها، موجب منتفی شدن اقدامات پیشگیرانه از جرم نمی‌شود^۳، فقط گونه‌های پیشگیری از جرم با چرخش و تغییر دولت‌ها و مجلس‌های مقننه در پرتو انتخابات و گاهی تغلیب یک سیاست جنایی آزادی‌مدار یا امنیت‌مدار دست‌خوش تغییرات می‌شود. بنابراین پیشگیری از جرم به عنوان یک راهبرد متعارف و خردمندانه همچون یک جریان برگشت‌ناپذیر در حال پویایی و گسترش است و تلاش اندیشمندان عرصه علوم جنایی در راستای افزایش بهره‌وری و روزآمد کردن آن، برای استفاده حداکثری از اقدامات پیشگیرانه

۱. بررسی‌های کمیته مطالعات پیرامون خشونت و بزهکاری در فرانسه بیانگر آن بود که تدابیر سنتی-قضایی در قبال بزهکاری، دیگر کافی و مؤثر نیست و به همین جهت پیشگیری از بزهکاری باید در برنامه‌های عمومی دولت، یعنی در بالاترین سطح و در اقدام‌های ادارات و مراجع مختلف و تشکل‌های مردمی مورد توجه قرار گیرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۷، ص ۵۵).

۲. مطالعات مرکز بین‌المللی پیشگیری از جرم پیرامون ارزیابی کارایی نسبی تدابیر مختلف پیشگیرانه نسبت به کیفر، مبین بازدهی اقتصادی هفت برابری، بیش از زندان بوده است (ابراهیمی، ۱۳۹۶، ص ۱۴۱).

۳. برای نمونه در کشور بلژیک با به قدرت رسیدن احزاب محافظه‌کار و تقویت نسبی اقتدارگرایی، راهبرد تأمین امنیت از طریق اولویت بخشیدن به پیشگیری از جرائم خیابانی و سازمان‌یافته، اعمال بیشتر اقدامات پیشگیرانه وضعی فناورانه و اعطای اختیارات وسیع‌تر به پلیس و نهادهای قضایی در اولویت قرار گرفت. با این شرایط اگرچه فضایی برای قدرت‌مانور جناح چپ در سیاست پیشگیری اجتماعی، اصلاحات شهری و ساختاری دولت فدرال وجود نداشت، اما راهبرد پیشگیری در معنای کلی افول نیافت (هبریش، ۲۰۰۹، ص ۱۸۵).

در سراسر دنیا رو به فزونی است.

روشن است همان گونه که اجرای مقررات دولتی و بسیاری از برنامه‌های مربوطه در جامعه، منوط به وجود ضابطه‌مند و ضمانت اجرا دار شدن قوانین است، پیشگیری نیز از این قاعده مستثنی نیست و اجرای تدابیر آن مشروط به وجود پیش‌بینی ضابطه‌های خاص خود است. بنابراین معرفی سازمان‌ها یا نهاد متولی و ضمانت‌اجراهای تعیینی برای پیشگیری از تضييع حقوق افرادی که در راستای پیشگیری از جرم متضرر شده‌اند، ضروری می‌کند.

در واقع رویه‌های عملی پیشگیرانه ممکن است توجه قانونگذار را به خود جلب کند و به نوبه خود به تدریج در قالب قانون ضابطه‌مند شود؛ قوانین، آیین‌نامه‌ها، تصویب‌نامه‌ها و رویه‌های پیشگیری (بر وزن رویه قضایی در حقوق کیفری) که در اجرای مقررات دولتی شکل می‌گیرد، از یک سو و رویه‌های عملی ابتکاری و خودجوش پیشگیری، از سوی دیگر آنچه را که حقوق پیشگیری از جرم یا پیشگیری قانون‌مدار و ضابطه‌مند می‌نامند، تشکیل می‌دهد^۱ (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۴، ص ۱۰). باید اذعان داشت که با توسعه فرهنگ پیشگیری از جرم و استفاده از گونه‌های متنوع پیشگیری توسط متولیان امر، آنچه که از اهمیت و آفری برخوردار است، هنجارمند یا ضابطه حقوقی و تحت پوشش قرار دادن اقدامات پیشگیرانه به وسیله قواعد و قوانینی است که منبعث از اصول و حقوق حقه افراد جامعه بوده و تأمین امنیت جامعه را با استفاده از راهبرد پیشگیری قانون‌مدار تضمین می‌کند. این مهم در کنار گرایش مقطعی برخی دولت‌ها به نوعی تمامیت‌ایدئولوژیک و گرایش به توسعه جنگ‌محور علیه بزهکاری از اهمیت بسزایی برخوردار است (نولته، ۱۳۹۵، ص ۱۳۷). به نظر می‌رسد رابطه تنگاتنگ پیشگیری از جرم با رعایت آزادی‌های بنیادین افراد جامعه، تغییر دولت‌ها و مجالس مقننه یا رویکرد برخی دولتمردان به اقدامات پیشگیرانه‌ای که موجب

۱. دین مبین اسلام، احترام به حریم اشخاص را مورد تأکید قرار داده و تجسس نسبت به آنها را نهی کرده است (یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیراً من الظن ان بعض الظن اثم و لاتجسسوا؛ سوره حجرات، آیه شریفه ۱۲). اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص را از تعرض مصون دانسته و در اصل ۲۵ بر ممنوع بودن بازرسی، نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس، مگر به حکم قانون تأکید کرده است. براین ابتناء ماده ۱۵۰ قانون آئین دادرسی کیفری اشعار می‌دارد «کنترل ارتباطات مخابراتی افراد ممنوع است، مگر در مواردی که به امنیت داخلی و خارجی کشور مربوط باشد یا برای کشف جرائم موضوع بندهای الف، ب، پ و ت ماده ۱۳۰۲ این قانون تشخیص داده شود. در این صورت با موافقت رئیس کل دادگستری استان و با تعیین مدت و دفعات کنترل، اقدام می‌شود. بنابراین تخطی از این مهم در قالب تدابیر پیشگیرانه غیرقانونی می‌تواند با حبس یا انفصال مندرج در مواد ۵۷۰ و ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی مواجه شود.

به خطر افتادن آزادی‌های مشروع شهروندان و کمرنگ شدن تضمین‌های حقوق بشری می‌شود، مسئله‌ای اساسی است که در کنار دستاوردهای جرم‌شناختی، مطالعه ضابطه‌مند شدن اقدام‌های پیشگیری از جرم را اهمیت دوچندان می‌بخشد. ضابطه‌مند شدن حقوقی پیشگیری از جرم که منجر به شکل‌گیری حقوق پیشگیری از جرم می‌شود در مقاله حاضر بررسی شده است، بنابراین مطالعه حقوق پیشگیری از جرم به عنوان منبع کنشی در سیاست جنایی موضوع نوشتار حاضر را تشکیل می‌دهد. پرسش اساسی آن است که ضرورت تدوین حقوق پیشگیری از جرم چیست؟

مبانی نظری

همه حوامع به شیوه‌های مختلف کنترل جرم، جهت تأمین امنیت، نظم اجتماعی و پیشگیری از بزهکاری متوسل می‌شوند، اما در عرصه مدیریت آن و ایجاد تعادل میان مفاهیمی همچون کرامت انسانی، حقوق بشر، آزادی، آسایش عمومی و مانند آن، همواره چالش‌هایی فراروی متولیان سیاست جنایی بوده است. بی‌تردید اولویت‌های پیشگیری بر حسب محل و بستر اجرای آن متفاوت خواهد بود (ابراهیمی، ۱۳۹۴، ص ۴۴)؛ اما یکی از ضرورت‌های پیشگیری عادلانه به ویژه در کشورهایی که از سیاست جنایی مردم‌سالار برخوردارند، عدم تضییق حقوق و آزادی‌های افراد به بهانه پیشگیری از جرم است؛ امری که، از یک سو در توسعه فضای آزاد و کاهش فضاهای کنترل شده تبلور می‌یابد و از سوی دیگر، شکل‌گیری راهبرد سنجیده دولت‌های کرامت‌مدار که در قالب تدابیر اجتماعی، جهت پیشگیری از جرم تبیین می‌شود. اساساً آن دسته از تدابیر کنشی و اقدامات پیشگیرانه که برگرفته از گونه رشدمدار یا جامعه‌مدار است، قرابتی با توسعه کنترل و نظارت فراگیر بر زندگی شهروندان ندارد، اما تکرر جمعیت، شهرنشینی، خیزش فزاینده آمار جرائم، عدم توفیق حداکثری نهادهایی مثل خانواده، مدرسه، پیدایش جرائم جدید و مانند آن، موجب گرایش به گونه‌های پیشگیرانه وضعی می‌شود که خواه ناخواه با بسط حوزه کنترل افراد جامعه ملازمت خواهد داشت (دارابی، ۱۳۹۵، ص ۳۵). اگرچه به نظر می‌رسد بحران اقتصادی و رویارویی دولت‌ها با جرائم تروریستی و سازمان‌یافته نیز در استقبال از پیشگیری موقعیت‌مدار فناورانه بی‌تأثیر نبوده است (دارابی، ۱۳۹۷، ص ۱۴)؛ در این میان استقبال و گسترش رو به تزاید از دوربین‌های مداربسته و ضرورت ضابطه‌مندی و هشدار به شهروندان مبنی بر وجود این مهم را در اماکن و مغازه‌ها می‌توان از اجزاء

جدایی ناپذیر حقوق پیشگیری از جرم دانست، شاخصه‌ای که عدم رعایت آن از جانب نصب‌کنندگان دوربین‌ها را باید با ضمانت اجرای قانونی مواجه سازد.

آنچه که به عنوان دغدغه افراد جامعه و فعالان سیاسی-اجتماعی یا متولیان حامی حفظ آزادی‌های مشروع و حریم خصوصی در جوامع نمایان می‌شود، این است که استقبال دولت‌ها از تدابیر پیشگیرانه بدون تعیین حدود و ثغور، ضمانت اجرای مناسب برای تخطی از این اصل و با توسعه ناهمگون پایش حداکثری همراه نباشد. بنابراین حقوق پیشگیری از جرم به عنوان منبع راهبرد کنشی سیاست جنایی متضمن صورت‌های ایجاد و پیدایش قواعد حقوقی مرتبط با پیشگیری است که با اجرای تدابیر پیشگیری از جرم ملازمت داشته و سازوکارهای اجرای گونه‌های پیشگیری از جرم را سامان می‌بخشد. اگر رسالت اصلی سیاست جنایی تولید و تضمین امنیت اجتماعی و سیاسی تلقی شود، در یک دولت قانون‌مدار که هدف پیشگیری از جرم نمی‌تواند اعمال هرگونه اقدام و تدابیر پیشگیرانه را توجیه کند، رعایت آن دسته از حقوق شهروندی که امروز در قالب نسل‌های مختلف حقوق بشر پیش‌بینی شده است برای پیشگیری از جرم و دست‌یابی به جامعه‌ای عاری از بزهکاری یا دست‌کم با حداقل بزهکاری ضروری می‌کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲، ص ۵۵۹). مواجهه با عنوان حقوق پیشگیری از جرم ممکن است حق‌های عینی که دربردارنده امتیازات مشروع قانونی شهروندان یا تکالیف دولتمردان جهت اعمال گونه پیشگیری اجتماعی است را به ذهن متبادر سازد، بنابراین تبیین حقوق پیشگیری از جرم به عنوان یک رشته مطالعاتی حقوقی و هنجارمند که در گستره علوم جنایی حقوقی می‌گنجد، ضروری می‌نماید.

حقوق پیشگیری از جرم در بستر علوم جنایی حقوقی: در بادی نظر، جرم‌شناسی پیشگیری با یک سلسله اصول تجربی که شامل مجموعه تدابیر کنشی غیر قهرآمیز است در گفتمان دانشگاهیان معرفی می‌شود، اما بدیهی است هنگامی که گونه‌های پیشگیری از جرم در صحنه اجتماع به منصف ظهور می‌رسد، نسبت به افراد جامعه و یکایک شهروندان اعمال می‌شود، بنابراین همچنان رعایت موازین حقوق بشر لازم است. اگر بپذیریم که هر کجا انسان هست، حقوق بنیادین او نیز موضوعیت پیدا می‌کند، می‌توان گفت که یافته‌ها و دستاوردهای جرم‌شناسی نیز در حوزه پیشگیری از جرم، بازپروری مجرمان و سرکوبی جرم، در چارچوب و با تکیه بر موازین حقوق بشر وارد سیاست جنایی به مفهوم موسع می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۵، ص ۹۳۴). بدین سان، همان‌گونه که در سیاست جنایی، حقوق کیفری عمومی به عنوان رشته‌ای

هنجارمند، مبنای اقدام‌های واکنشی^۱ حقوق را تشکیل می‌دهد و مشتمل بر اصول و قواعد حاکم بر جرائم و مجازات‌ها و مسئولیت کیفری است، اقدامات کنشی یا پیشینی، با رعایت ضوابط و مقرراتی که جنبه حقوقی و هنجارمند دارد، نیز امری حیاتی است. بنابراین باید این ابهام‌زدایی نسبت به حقوق پیشگیری از جرم صورت پذیرد که منظور از این وصف، آموزه‌های مدنظر قانون‌گذار برای بکارگیری تدابیر کنشی پیشگیری جامعه‌مدار یا رشدمدار که در اصول متعدد قانون اساسی با تأکید بر آموزش و پرورش، حمایت از خانواده، فقرزدایی، اشتغال‌زایی، حمایت از اطفال و زنان و مانند آن، مطرح شده است، نبوده و غرض از آن رعایت موازین و ضوابط حقوق بشری یا حقوق شهروندی^۲ در اجرای راهبرد پیشگیری است.

از جمله کشورهایی که حقوق پیشگیری از جرم را در قالب علوم جنایی حقوقی به طور نسبی مطرح نظر داشته است، کشور فرانسه است. در این کشور قانون مربوط به پیشگیری از بزهکاری در سال ۲۰۰۷ با هدف اصلاح سیاست پیشگیری از جرم، کاهش تعداد بزه‌دیدگان و تسهیل فرایند اصلاح و بازپروری بزهکاران به تصویب رسید. در ماده ۸ فصل دوم آن که به مقررات پیشگیری بر مبنای اقدامات اجتماعی و تربیتی اختصاص دارد؛ تصریح شده است: «زمانی که متخصص امور اجتماعی احراز کند که وخامت مشکلات اجتماعی، تربیتی یا مادی شخص یا خانواده او به گونه‌ای است که مداخله متخصصین متعدد را می‌طلبد، لازم است شهردار بخش محل اقامت آنها و رئیس شورای عمومی را مطلع نماید». در این موارد ماده ۱۳-۲۲۶ قانون مجازات فرانسه نسبت به کسانی که اطلاعات محرمانه را طبق شرایط یا اهداف پیش‌بینی شده در این بند انتقال می‌دهند، مجری نخواهد بود (ابراهیمی، ۱۳۹۶، ص ۱۱)؛ این نمونه مصداقی از هنجارمند شدن تدابیر پیشگیرانه است که با اشاره به قانون موضوعه، رفتار مربوطه را جرم نمی‌شناسد و برای آن مجازات تعیین نمی‌کند، این در حالی است که عکس موضوع نیز صادق است؛ بدین معنی که در حقوق پیشگیری از جرم، مجازات نقض‌کنندگان قانون در پرتو تنظیم روابط کنشگران پیشگیری و شهروندان نیز تجلی می‌یابد. بدین سان رفتارهای غیر قانونی که از مجریان تدابیر پیشگیری به منافع

۱. سرعت‌بخشی به روند رسیدگی کیفری می‌تواند در کنار ایجاد نظام کیفری حقوق بشری اسباب پیدایش نظام کیفری پیشگیرانه را نیز پدید آورد (نیازپور، ۱۳۸۹، ص ۳۶۸).

۲. در منشور حقوق شهروندی جمهوری اسلامی ایران که در آذرماه ۱۳۹۵ به تصویب رسید، در کنار حقوق متعدد و مختلف، حق‌هایی مانند حق کرامت و برابری انسانی، حق آزادی و امنیت شهروندی و حق حریم خصوصی که با ضابطه‌مند شدن اقدام‌های پیشگیرانه در ارتباط است مورد شناسایی و تأکید قرار گرفته است.

خصوصی افراد یا آزادی‌های عمومی شهروندان آسیب می‌رساند و موجب تضییع حقوق آنها می‌شود، در پرتو حقوق پیشگیری از جرم استیفاء شده و تکالیف دولتمردان و مجریان اقدامات پیشگیرانه را در قبال شهروندان معین می‌سازد. بر این اساس، پایش و نظارت حداکثری از طریق یک جامعه سراسرین، توسعه کنترل در قالب پیشگیری قلمداد می‌شود که نهادینه شدن آن در بستر سیاست جنایی عادلانه ناممکن است، موضوعی که اهمیت هنجارمندسازی و تعیین حدود اختیارات متولیان تدابیر پیشگیرانه را متجلی می‌سازد.

به هر رو، حقوق پیشگیری از جرم نیز، در کنار حقوق کیفری، حقوق اداری، حقوق انضباطی و مانند آن، منبع سیاست جنایی را تشکیل می‌دهند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶، ص ۵۵۶). بنابراین، حقوق پیشگیری از جرم به عنوان رشته‌ای مستقل از مجموعه قوانین، مقررات و ضمانت اجراهای خاص خود تشکیل شده است که ضمن معرفی متولیان و نهادهای مسؤول و ضابطه‌های ناظر به پیشگیری، پاسخ‌های حقوقی به تخطی هر یک از کنشگران پیشگیری را تعیین می‌کند؛ چندان که اگر اجرای تدابیر پیشگیرانه، منجر به تضییع و تضییق حقوق فردی شود، قابلیت رسیدگی، تعقیب و مجازات ناقض قواعد مربوطه، بسان اعمال هر یک از دیگر رشته‌های اصلی علوم جنایی حقوقی، همچون حقوق کیفری عمومی، حقوق کیفری اختصاصی و آیین دادرسی کیفری، فراهم می‌شود. از آنجا که رکن حقوق کیفری، اصل قانونی بودن جرم و مجازات است، اقدامات پیشگیرانه و اصلاحی نیز باید ملبس به سلسله مقررات و ضوابطی باشد که حقوق و آزادی‌های فردی را از آسیب مصون بدارد.

الزام واضعان سیاست جنایی به تدوین حقوق پیشگیری از جرم: بدون تردید سیاست‌گذاران جنایی در راستای پاسداشت کرامت انسانی و تضمین اصل برائت، اعمال پاسخ‌های کیفری را منوط به رعایت شاخصه‌های دادرسی منصفانه می‌کنند؛ این شاخصه فقط در حوزه حقوق کیفری و آیین دادرسی کیفری ظهور نیافته است، بلکه در عرصه جرم‌شناسی نیز متصور است: رفتار منصفانه با بزه‌دیده (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴)، پیشگیری عادلانه از جرم (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶) و بازپروری عادلانه مجرم (ابراهیمی، ۱۳۹۱)، ترکیب جرم‌شناسی کاربردی با آموزه‌های حقوق بشری و قواعد حقوقی را نوید می‌دهد.

از آنجا که تأمین و تضمین نظم عمومی، امنیت حقوقی و امنیت اجتماعی از وظایف دولت‌ها محسوب می‌شود، واضعان سیاست جنایی ناگزیر از قاعده‌مند کردن پیشگیری هستند، چندان که الزام

به این مهم از ملزومات سیاست جنایی عادلانه محسوب می‌شود. این امر در کنار گونه پیشگیری وضعی از جرم که کنترل افراد و مداخله در حریم خصوصی و آزادی‌های شهروندان را به عنوان راهبرد اصلی خود می‌داند، موجب توازن امنیت خصوصی در بستر امنیت عمومی می‌شود؛ به گونه‌ای که هرچه دامنه پیش روی در حقوق بنیادین افراد توسط مقررات حقوقی متبلور در حقوق پیشگیری از جرم محدودتر شده باشد، اتصاف دولت‌ها به مردم سالاری، حکمرانی خوب، آزادی مداری و قانون مداری تقویت خواهد شد. با این همه، گاهی با عدم استقبال دولت‌ها نسبت به راهبرد پیشگیری اجتماعی و اهداف طولانی مدت آن هستیم (کرافورد^۱، ۲۰۰۹، ص ۳۰). ترسیم مقررات کارآمد با تعیین سازوکارهای اداری و قضایی در قالب قوانین پیشگیرانه عادلانه - با تأکید بر پیشگیری موقعیت مدار - توسط واضعان سیاست جنایی اجتناب‌ناپذیر است.

بی‌تردید همه حقوق و آزادی‌ها مطلق نیست؛ برخورداری از آنها گاهی با ضابطه‌ها و محدودیت‌های قانونی همراه است (ابراهیمی، ۱۳۹۱، ص ۱۶۶)؛ اما همواره این مهم، باید پیش روی متولیان امر قرار گیرد که شهروندان نسبت به حفظ امنیت شخصی خود بیم و هراسی نداشته باشند و اجرای راهبرد گونه پیشگیری وضعی، در لوای جامعه امن بدون مرعی داشتن ارزش والای انسانی، صورت نپذیرد. بدین ترتیب، دولت‌ها در راستای اطمینان خاطر شهروندان مکلف به وضع حقوق پیشگیری از جرم مدون و تأسیس تشکیلات اداری و قضایی هستند؛ چندان که از طریق تضمین حقوق و آزادی‌های افراد، جامعه را از تعرض خودسرانه احتمالی برخی کنشگران عرصه پیشگیری از جرم، مصون کنند و نهادهای حاکمیتی نیز بر اساس قانون، ضمن حمایت از حقوق و مطالبات مردمی، به نظارت مستمر بر اجرای راهبرد پیشگیری از جرم و پاسخ‌دهی قانونی به متخلفان اهتمام ورزند.

باید اذعان داشت که ظهور قوانین اساسی کشورها تحدیدگر قدرت سیاسی حکومت‌ها است و نقطه عطفی در نهادینه کردن و به رسمیت شناختن حقوق و امتیازات شهروندی همچون امنیت، حیثیت، آزادی و مانند آن، به عنوان مصالح تشکیل‌دهنده حقوق پیشگیری از جرم محسوب می‌شود.

حق بر امنیت از حق‌های بنیادین مردم است که اگرچه باید در اولویت قرار داده شود تا امنیت جانی و مالی شهروندان با نظام کیفری و پیشگیری تضمین شود، ولی نباید فراموش کرد که همین شهروندان از

حق دیگری یعنی حق بر تأمین امنیت حقوقی-قضایی در برابر مداخله‌های پلیسی-قضایی کارگزاران عدالت کیفری و کنشگران پیشگیری نیز برخوردارند. تضمین این حق نیز که به عنوان یکی از حق‌های بشری در اسناد بین‌المللی و قوانین اساسی پیش‌بینی شده، به عهده دولت‌ها گذاشته شده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱، ص ۱۴)؛ قانون اساسی کشور ایران در خصوص حق‌های بنیادین شهروندان، موضع قاطع و بدون قید و شرط دارد و برای هر یک از مقامات و مأموران وابسته به نهادها و دستگاه‌های حکومتی که برخلاف قانون، آزادی‌های شخصی شهروندان را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران محروم کند، مطابق ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی، جرم‌انگاری و کیفرگذاری کرده است؛ با این وصف اگرچه تدوین حقوق پیشگیری از جرم تا به امروز در ایران جامه عمل نپوشیده است و در قانون پیشگیری از جرم نیز که در سال ۱۳۹۴ به تصویب رسید، اشاره‌ای به آن نشده است، اما می‌توان ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی را به عنوان طلّیعه حقوق پیشگیری از جرم نیز در نظر داشت؛ زیرا این ماده متضمن ضمانت اجرای کیفری برای نقض حقوق مقرر در قانون اساسی، با عنوان حقوق ملت است که لفظ حقوق در این ماده اطلاق داشته و افاده عموم می‌کند. براین اساس هرگونه اقدام پیشگیرانه که در مغایرت با حقوق افراد باشد می‌تواند در قالب این ماده بررسی شود. برای نمونه محروم کردن دیگران از آزادی شخصی، بازداشت غیر قانونی، توقیف یا هرگونه اقدام پیشگیرانه غیر قانونی می‌تواند با ضمانت اجرای قانونی مواجه شود. از آنجا که سیاست جنایی برخی دولت‌های امنیت‌مدار نسبت به تدوین حقوق پیشگیری از جرم وقعی نهاده و یا آن را با استناد به جرائم مستحدثه تضعیف می‌کنند، بنابراین بررسی چالش‌های شکل‌گیری حقوق پیشگیری از جرم مهم می‌نماید.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر نوع پژوهش توصیفی-تحلیلی است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، مطالب جمع‌آوری و تحلیل شدند.

یافته‌ها

چالش‌های ایجاد حقوق پیشگیری از جرم در سیاست جنایی: برنامه‌ریزی سیاست جنایی در امتداد راهبرد پیشگیری از جرم نه تنها به ایدئولوژی سیاسی حاکم بر جامعه در مرحله شکل‌گیری و اجرای آن وابسته

است، بلکه فراتر از آن، استمرار بعدی این راهبرد نیز منوط به عدم تغییر یا اضمحلال این امر است. بدین وصف، تأثیر اندیشه‌های سیاسی بر اتخاذ رویه‌های پیشگیری از جرم و تغییر در اولویت‌های تدابیر پیشگیرانه، از اهمیتی انکارناشدنی برخوردار است و تنوع یا تکثر بافت‌های سیاسی و نوع نگرش حاکمیت ملی به خصوص پدیده بزهکاری، پاسخ‌های گوناگونی را در مرحله قبل و بعد از ارتکاب جرم پیش روی دولت‌ها قرار می‌دهد که در برخی موارد با صیانت از حقوق و آزادی‌های افراد در تعارض بوده و موجب عدم بکارگیری راهبرد پیشگیری ضابطه‌مند می‌شود. در سال‌های اخیر ضرورت ایجاد جامعه امن، به عنوان راهبردی محوری در سیاست جنایی و گفتمان دولتمردان مطرح شده است (ادوارد و هیوجز^۱، ۲۰۰۹، ص ۶۸) و موجب شکل‌گیری «سیاست جنایی امنیت‌مدار» در تقابل با «سیاست جنایی آزادی‌مدار» شده است. در این میان، استفاده بی‌حد و حصر از گونه پیشگیری موقعیت‌مدار فناورانه بدون تعیین مقررات مربوطه، زمان و مکان مورد استفاده ابزارهای این گونه پیشگیری فناورانه، نهادهای واجد صلاحیت، سازوکارهای اداری-قضایی و فقدان ضمانت اجرای کیفی و مدنی برای خودسری‌ها یا تعرضات حادث نسبت به آزادی‌های بنیادین افراد، رقم خورده است. بر این اساس، حق بر امنیت بر سایر حقوق انسانی برتری داده می‌شود و حقوق بنیادین افراد به بهانه حفظ امنیت سیاسی زیر پا گذاشته می‌شود (طاهری، ۱۳۹۲، ص ۱۳۶). به نظر می‌رسد بکارگیری این رویکرد منبعت از تفکری است که بزهکاری را پدیده‌ای امنیتی فرض کرده و سیاست جنایی لازم نیز در این خصوص جنبه امنیتی به خود گرفته است؛ چالشی که در راهبرد پیشگیری موقعیت‌مدار ظهور و بروز بیشتری یافته و حقوق پیشگیری از جرم را امنیتی می‌سازد، چندان که توسعه کنترل را تحت لوای پیشگیری از جرم توجیه می‌کند^۲. بدین معنا که هدف قلمداد شدن راهبرد پیشگیری توسط دولت‌ها و استفاده گسترده از ابزارها و تدابیر نظارتی به ویژه در دولت‌های امنیت‌مدار، تضییق حقوق و آزادی‌های افراد را در بر خواهد داشت و حقوق پیشگیری از جرم را به محاق خواهد برد، مقوله‌ای که بدون ضابطه‌مند شدن و تدوین حقوق پیشگیری از جرم منسجم و مستقل منجر به تحدید و تهدید حقوق افراد جامعه خواهد شد. در این راستا گسترش قلمرو نظارت در قالب تدابیر پیشگیرانه و پیش روی در فضاهاى آزاد بررسی می‌شود.

1. Edward & Huhges

۲. از این روی فقدان حقوق پیشگیری از جرم در کشورها یا تغلیب راهبرد آزادی در امنیت در جوامع مردم‌سالاری که حتی المقدور خود را ملزم به رعایت این مهم می‌دانند، زمینه تحدید فضاهاى آزاد و افزایش فضاهاى کنترل شده را رقم خواهد زد.

توسعه پایش و نظارت در پرتو پیشگیری: آنچه که به عنوان دغدغه افراد جامعه و فعالان سیاسی-اجتماعی یا حامیان حفظ حریم خصوصی و آزادی‌های مشروع در جوامع نمایان می‌شود، این است که استقبال دولت‌ها از تدابیر پیشگیرانه از جرم به نقض حقوق شهروندی، تحدید یا نفی آزادی‌های مشروع منتهی نشود. البته این امر به آن معنا نیست که برخورداری از حقوق یادشده مطلق بوده و هیچگاه با محدودیت‌هایی همراه نیست؛ بلکه در برخی شرایط استثنایی و در دوران بین منافع ملی و فردی می‌توان قائل به اعمال برخی تحدیدها بود که حدود و ثغور آن نیز باید توسط قانونگذار مشخص شده باشد.^۱

در واقع دولت‌ها در ارتباط با ضرورت مقابله با جرائم، بلکه درباره محدودیت‌های آن و عدم نقض این محدودیت‌ها، به بهانه پاسخ به جرم تعهداتی دارند (ابراهیمی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۸). این در حالی است که جهت‌گیری فعالیت‌های کنشگران پیشگیری از جرم در بسیاری از کشورها تغییر کرده و به نام تأمین امنیت و صیانت از نظم عمومی، راهبرد پیشگیری را در راستای افزایش گستره نظارت بر افراد جامعه و تعرض به حق‌های بشری شهروندان قرار داده‌اند و با پایش مستمر اشخاص، به واسطه ثبت و ضبط صدا و تصویر یا شنود مکالمات، حریم خصوصی وی را مخدوش می‌سازند و سیطره نظارت خود را در قالب پیشگیری گسترش داده‌اند؛ مراقبتی که به واسطه عدم تصریح حقوق پیشگیری از جرم و فقدان تعادل رویه‌ها و اقدامات پیشگیرانه یا آموزه‌های حقوق شهروندی، قربانیان احتمالی نقض حقوق و آزادی‌های بنیادین را به محاق می‌برد.

روشن است مجموعه حق‌هایی که در قانون اساسی کشورها تصریح شده‌اند به عنوان حقوق بنیادین شهروندان به رسمیت شناخته شده و قابل نقض نیستند، به گونه‌ای که قوانین عادی، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها ملزم به حمایت از آنها و اجرایی‌سازی این حقوق هستند؛ این رهیافت به عنوان یکی از مهمترین جلوه‌های تقید دولت‌ها به آموزه‌های حقوق بشری است که آزادی‌های عمومی مصرح در قانون اساسی را قربانی گونه‌های پیشگیری موقعیت‌مدار نمی‌سازد و حتی با کیفرگذاری نقض حق‌های اساسی

۱. اهمیت این موضوع به گونه‌ای است که در حالت فوق العاده نیز زمامداران ملزم به رعایت حد و مرزها شده‌اند. در ارتباط با حالت استثنایی و محدودیت‌های ضروری، ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، خطاب به دولت‌های عضو مقرر می‌دارد: هرگاه یک خطر عمومی استثنایی (فوق العاده) موجودیت ملت را تهدید کند و این خطر رسماً اعلام شود، کشورهای طرف این میثاق می‌توانند تدابیر خارج از الزامات مقرر در این میثاق را به میزانی که وضعیت مربوطه حتماً ایجاب می‌کند اتخاذ نمایند، مشروط بر اینکه تدابیر مزبور با سایر الزاماتی که بر طبق حقوق بین‌الملل به عهده دارند، مغایرت نداشته باشد و منجر به تبعیضی منحصر بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، اصل و منشأ مذهبی یا اجتماعی نشود.

شهروندان به بهانه پیشگیری از جرم و تأمین امنیت، پیام حمایت بدون قید و شرط خود را از حقوق و آزادی‌های بنیادین افراد جامعه در چارچوب پیشگیری از جرم اعلام می‌دارد. بدین ترتیب اگرچه برقراری تعادل بین تضمین حق مردم بر امنیت جانی و مالی، از یک سو و تضمین حقوق و آزادی‌های فردی در برابر عوامل حکومتی، از سوی دیگر چندان ساده نیست (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۲، ص ۱۲)، اما حق رفت و آمد، حق بر خلوت، حق متفاوت زیستن و متفاوت بودن و مانند آنها نباید در لوای پیشگیری با محدودیت مواجه شود و متولیان سیاست جنایی نباید سلب یا محدود کردن این مهم را در قالب تدابیر پیشگیری وضعی - فناورانه با توجیه ایجاد جامعه امن و پیشگیری از جرم توجیه کنند. از آنجا که یکی از کارکردهای حقوق کیفری اعلام هنجارهای مورد احترام از سوی قانونگذار است (نوبهار، ۱۳۹۳، ص ۶۳) و حقوق پیشگیری از جرم مستلزم ضابطه‌مند شدن تدابیر کنشی واضعان سیاست جنایی است، بنابراین تضمین‌های حمایت از تدوین حقوق پیشگیری از جرم و پیروی از آموزه‌های حقوق بشری در گونه‌های پیشگیری از جرم مؤلفه‌ای است که در ادامه بررسی می‌شود.

امنیت‌مدار شدن سیاست جنایی و تضمین‌های حقوق پیشگیری از جرم: گاهی اوقات اصل ملازمت دموکراسی و رعایت شاخصه‌های حقوق بشری در اقلان دولتمردان و واضعان سیاست جنایی دولت‌های غربی، مناط اعتبار قرار نگرفته و ایشان برای توسل به رویه‌هایی که منجر به اقدامات تحدیدگر حقوق و آزادی‌های شهروندان، نظارت بر حریم خصوصی و مانند آنها می‌شود، استدلال‌های توجیه‌کننده‌ای مبنی بر افول اهمیت علت‌شناسی بزهکاری و ضرورت تغییر گونه‌های پیشگیری، برهم زدن معادلات پیش جنایی و انصراف بزهکاران بالقوه را طرح می‌کنند؛ امری که معطوف به افزایش اختیارات متولیان نظام عدالت کیفری جهت تأمین و تشبیت امنیت خواهد شد. حاکمیت قانون به عنوان تمکین همه افراد جامعه و دولت از آنچه که در قالب قانون اساسی، مصوبات مجلس و دیگر منابع الزام‌آور حقوقی تدوین شده است، ظاهر می‌شود؛ آن گونه که هنجارهای حقوقی به عنوان شالوده نظام حقوقی شکل می‌گیرند و اجرای آنها به همراه وجود تضمین‌های لازم برای جلوگیری از نقض قانون مدنظر است. پرواضح است که دو مؤلفه یادشده مکمل یکدیگر بوده و نقض هر یک از آنها عملکرد دیگری را تحت الشعاع قرار خواهد داد؛ بنابراین تدابیر حمایتی استحکام بخش در قلمرو داخلی و بین‌المللی، به عنوان نظام حقوقی تضمین‌کننده رعایت پیشگیری عادلانه در کشورهای آزادی‌مدار محسوب می‌شود و درنظر قرار گرفتن منابع قانونی داخلی و

خارجی در اعمال راهبردهای پیشگیرانه به همراه مراجع و تشکیلات ناظر و رسیدگی کننده به نقض حقوق افراد، ضریب مخدوش شدن حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان را کاهش می‌دهد. برای مثال در اصل نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح شده است که «... هیچ مقامی حق ندارد به نام استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع را، هرچند با وضع قوانین و مقررات سلب کند»؛ همچنان که در اصل سوم قانون اساسی به عنوان اصلی راهبردی در پیشگیری از جرم، دولت را موظف کرده است تا برای نیل به اهداف عالیه مندرج در قانون اساسی، همه امکانات خود را بکار گیرد.

ژرف‌اندیشی در بیشتر بندهای اصل سوم قانون اساسی - در کنار دیگر اصول قانون اساسی مثل اصول چهارم، هشتم، نهم، دهم، بیست و یکم، بیست و هشتم، سی‌ام، سی و یکم، چهل و سوم و یکصد و پنجاه و ششم به عنوان اصول راهبردی پیشگیری از جرم - مبین آن است که اعمال طرح‌ها و تدابیر اقدامات پیشگیرانه که برخلاف مفاد مندرج در اصول قانون اساسی است، از اعتبار و جایگاه حقوقی برخوردار نبوده و علاوه بر توصیه صریح یا ضمنی قانون اساسی به مرتفع ساختن ریشه‌های بزهکاری و نه مبارزه صرف با مصادیق آن، انطباق هرگونه مقرر یا مصوبه‌ای را - حتی در خصوص پیشگیری از جرم - بر اساس موازین اسلامی دانسته است که با امعان نظر به توصیه‌های مکرر دین مبین اسلام به رعایت حقوق و آزادی‌های مشروع افراد، نقض هر یک از این مؤلفه‌ها را در تدابیر پیشگیرانه منتفی می‌کند. بدین ترتیب اساسی‌سازی حقوق در اصول فراتقنینی یکی از تأثیر گذارترین رهیافت‌ها در راستای ظهور و توسعه نهضت صیانت از حق‌ها و آزادی‌های بنیادین شهروندان در برابر قدرت عمومی است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۳، ص ۹۸۸) که فراهم کردن زمینه‌های تحقق آن توسط دولت‌ها اگر به پیشگیری کامل از رفتارهای مجرمانه منجر نشود، دست کم دامنه و اشکال بزهکاری را کاهش داده و جامعه را از توسعه توسل به اقدام‌های قهرآمیز بی‌نیاز می‌کند. ضمن آنکه با این سیاست زمینه اساسی‌سازی حقوق پیشگیری از جرم فراهم می‌شود (نیازپور، ۱۳۹۳، ص ۹۱) و الزام به بایدها و نبایدهایی که به عنوان تکالیف متولیان سیاست جنایی در عرصه پیشگیری از جرم است، تجلی می‌یابد. اگرچه به نظر می‌رسد مبنا و منشأ تعهدات پیشگیرانه دولت‌ها، اخلاق، حقوق بشر و عدالت است (بارانی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۸) که تدوین حقوق پیشگیری از جرم را در راستای ابقاء حقوق پیشگیری بشرمدار با تضمین‌های داخلی و بین‌المللی مواجه سازد، اما طرح عنوان تضمین‌ها، به معنای آن نیست که در حال حاضر حقوق پیشگیری از جرم در تمام کشورها شکل گرفته، بلکه خبر از سازوکارهایی می‌دهد

که می‌تواند واضعان سیاست جنایی را به تدوین حقوق پیشگیری از جرم دلالت کند. به هر رو، خطاب نظام حقوق بشر یک مقوله حقوقی معین نیست، بلکه مرزهایی را تعیین و ترسیم می‌کند که دولت‌ها به هنگام استفاده از ضمانت اجرای کیفری یا غیر کیفری یا اقدام پلیسی و تأمینی یا اقدام‌های دفاع اجتماعی همچون تدابیر پیشگیرانه، نباید از آن تجاوز کنند (دل‌ماس - مارتی، ۱۳۹۳، ص ۸۹) پارادایمی که رعایت امنیت مداری را در بستر آزادی مداری تقویت می‌کند.

تضمین‌های داخلی تدوین حقوق پیشگیری از جرم: ناگفته پیداست تحول راهبرد پیشگیری از جرم و متمایل شدن گونه‌های پیشگیری از جرم به سمت شیوه‌های تحدیدگر فضای آزاد جامعه، بدون وجود تضمین‌های لازم برای مخدوش نشدن حقوق و آزادی‌های فردی شهروندان نیست، بلکه وجود قوانین شکلی یا ماهوی موجود از جانب دولت‌های قانون‌مدار، همگام با تحولات حادث در گونه‌های پیشگیری، پیامدهای منفی این تغییر را به حداقل می‌رساند.

در نظام‌های مردم‌سالار و توسعه یافته سیاسی با قبول حاکمیت مردم بر سرنوشت اجتماعی و سیاسی خویش و افول اقتدار مطلق زمامداران، حقوق و آزادی‌های اساسی در رأس توقعات اجتماعی قرار می‌گیرد (هاشمی، ۱۳۹۱، ص ۲۳۷). بدین سان، ضمانت اجراهای داخلی حقوق پیشگیری از جرم، تضمین‌های حکومتی است که در نظام‌های مردمی - از جمله نظام جمهوری اسلامی ایران - قابل درک است. در این میان رئیس جمهور به عنوان مظهر حاکمیت ملی که منتخب مستقیم مردم است در صیانت از حقوق مردم مسئول بوده و مانعی در توسعه بی حد و حصر رویکردهای کنترلی سیاست جنایی، با عنوان پیشگیری از جرم و تأمین امنیت جامعه است؛ همچنین نمایندگان مجلس نیز به عنوان مراقب و مدافع حریم حقوق و آزادی‌های اساسی مردم هستند^۱. بنابراین از آنجا که کرامت انسانی بنیاد نظم اجتماعی است و حقوق کیفری نگه‌داشت چنین نظمی را بر عهده دارد و مشروعیت این حقوق در راستای حمایت از آن است (قماش، ۱۳۹۳، ص ۱۶۶)، اگر شرایط و فضای جامعه به سمتی سوق پیدا کند که گونه‌های پیشگیری

۱. اصل ۷۱ قانون اساسی: مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند. اصل ۷۷ قانون اساسی: مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد. اصل ۱۱۳ قانون اساسی: پس از مقام معظم رهبری رئیس جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی بر عهده اوست. همچنین وی در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند متعال سوگند یاد می‌کند، از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است، حمایت کند. بند ۲ اصل ۱۵۶ قانون اساسی: نیز قوه قضاییه را مسئول تحقق بخشیدن به احیای حقوق عامه، گسترش عدل و آزادی‌های مشروع دانسته است.

از جرم با رویکرد تخصصی^۱ و بر اساس افزایش مسئولیت افراد جامعه و بزهکاران و کاهش مسئولیت دولت بنا نهد، نمایندگان مجلس می‌توانند با مداخله به هنگام و نسخ قوانین ناقص حقوق افراد، با تصویب قوانین کارآمد و تضمین ضمانت اجرای لازم، راهبرد پیشگیری را قانون‌مند کنند.

تضمین‌های بین‌المللی تدوین حقوق پیشگیری از جرم: هنجارها و قواعد بین‌المللی مختلف، اقدامات عملی ناظر به راهبرد کنشی واضعان سیاست جنایی را در قالب اعلامیه، کنوانسیون و رویه‌های بین‌المللی پیشگیری از جرم اشعار داشته است؛ آن چنان که تجلی تضمین‌ها و حمایت‌های لازم از حقوق بشر را در تدابیر پیشگیری از جرم می‌توان در پایان جنگ جهانی دوم شاهد بود. در سطح داخلی، دولت به ویژه هنگامی که در مقام تدوین و تنظیم سیاست‌های عمومی بر می‌آید، کنشگر پیشگیری محسوب می‌شود. در سطح بین‌المللی و فراملی نیز به منظور تسهیل اعمال و اجرای تدابیر پیشگیری اقدامات متعددی انجام می‌شود. در همین راستا سازمان ملل متحد، کشورهای عضو را به سمت دست‌یابی به تعادل در پاسخ‌های پیشگیرانه و سرکوبگرانه ترغیب می‌کند (جندلی، ۱۳۹۳، ص ۴۸)؛ بنابراین هنجارهای بین‌المللی نیز بر جنبه تقنینی راهبرد پیشگیری از جرم تأکید نموده‌اند. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ نیز از اسناد بین‌المللی الزام‌آور است که در مقدمه آن آمده است «با اذعان به این که بر طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر، کمال مطلوب انسان آزاد و از ترس و فقر‌رهایی یافته، در صورتی حاصل می‌شود که شرایط تمتع هر کس از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود همچنین از حقوق مدنی سیاسی او ایجاد شود»، بر تحقق عدالت اجتماعی و ارتقاء رفاه تأکید می‌کند.^۲

در واقع سازمان ملل متحد امیدوار است که استقبال کشورها از رهنمودها و اصول راهبردی تدوین شده درباره پیشگیری از جرم و عدالت کیفری و اعمال آنها به وسیله مسئولان سیاست جنایی دولت‌ها

۱. برای نمونه، پلیس تخصصی پیشگیری، با اتخاذ تمهیدات کنشی و توان‌افزا در قالب آموزش یا مصون‌سازی بزه‌دیدگان بالقوه می‌تواند پلیس تخصصی پیشگیری را به مرزهای پلیس اجتماعی یا پلیس جامعه‌مدار نزدیک کند.

۲. ماده چهارم مقرر می‌کند: «دولت‌های عضو این میثاق تصدیق می‌کنند که در برخورداری از حقوقی که مطابق این میثاق برای دولت (عضوی) مقرر شده است، آن دولت نمی‌تواند این حقوق را تابع محدودیت‌هایی کند، مگر محدودیت‌ها به موجب قانون و در تطابق با ماهیت حقوق مذکور و به منظور توسعه رفاه عمومی در یک جامعه دموکراتیک اعمال گردد».

ماده پنجم مقرر می‌کند: «۱. این میثاق نباید به نحوی تفسیر گردد که باعث از بین رفتن هر یک از حقوق و آزادی‌های شناخته شده در این میثاق شود و یا محدود کردن آن حقوق بیش از آنچه که در این میثاق پیش‌بینی شده است، ایجاد کند. ۲. هیچ شرط (محدودیتی) یا عدول از حقوق اساسی بشر که در قوانین (عرف)، پیمان‌نامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و یا رسوم هر یک از دولت‌های عضو این پیمان شناخته شده است و یا به میزان کمتری به رسمیت شناخته شده است، پذیرفته نخواهد بود».

بیشتر و به طور گسترده تری انجام پذیرد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۵، ص ۳۰۶). بدین ترتیب تضمین های حقوق بشری در قالب معاهدات و اعلامیه های بین المللی در کنار رهنمودهای بین المللی پیشگیری از جرم^۱ نقش مهمی را در التزام دولت ها به تدوین حقوق پیشگیری از جرم ایفاء می کند؛ این شاخص ها به عنوان اهرمی بازدارنده برای جلوگیری از خودکامگی دولتمردان در حوزه پیشگیری از جرم منجر به تعامل امنیت و آزادی در قالب گونه های پیشگیری از جرم می شود^۲.

ضمن آنکه این تضمین ها، دولت هایی را که راهبرد نظارت و کنترل شدید بر زندگی خصوصی مردم و فعالیت های روزمره آنها را با کمک پیشگیری وضعی فناورانه، تنها راه ایجاد جامعه امن می دانند، با محدودیت مواجه می سازد (اسکریتون^۳، ۲۰۰۲، ص ۳۱) و موازنه راهبرد پیشگیری امنیت مدار را به نفع راهبرد پیشگیری آزادی مدار بر هم می زند.

بحث و نتیجه گیری

بی تردید حقوق موضوعه همراه با شناسایی حقوق و آزادی های انسانی، به صورت قواعدی متظاهر می شود که ایجاد حق و تکلیف می کند. ابتکار عمل تدوین قواعد به نوعی با قانون گذار است که بدین وسیله، راه را بر دخالت دولت و افراد به این حقوق می بندد. اما این اقدام کافی به نظر نمی رسد، زیرا ممکن است قانون گذار خود در وضع قواعد، عرصه را بر حقوق و آزادی های مشروع تنگ کند. برای رفع هرگونه اشکال در نظام های مردمی، ابتکار عمل برای تضمین هرچه بیشتر حقوق و آزادی ها به قانون گذار اساسی سپرده می شود؛ بدین معنا که برتری قانون اساسی بر مجموعه زمامداران و نهادهای سیاسی انتصابی و انتخابی، موجب برتری اصول حقوق بشر در راهبرد پیشگیری از جرم خواهد بود. بنابراین حتی قانون گذار با ادعای نمایندگی مردم و با مطرح کردن عناوینی همچون نظم و امنیت، حق تعرض به این حقوق را نخواهد داشت

۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، میثاق های حقوق بشر ۱۹۶۶، کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات های بی رحمانه، غیر انسانی یا تریذیلی ۱۹۸۴، مصادیقی هستند که متضمن حقوق بنیادین افراد جامعه هستند.

۲. در کنوانسیون مبارزه با فساد مریدا ماده ۵ تا ۱۳ این کنوانسیون به موضوع پیشگیری اختصاص یافته است، یعنی قبل از آنکه کنوانسیون از ماده ۱۴ به بعد عناوین مجرمانه را نام ببرد و قبل از اینکه سازمان ملل متحد سیاه جرائمی را که مشمول عنوان فساد می شود احصاء کند، ابتدا تدابیر پیشگیرانه را مطرح کرده که این مهم واجد پیام تقدم پیشگیری بر مجازات در حوزه مبارزه با فساد است؛ به موازات این مهم، راهبرد پیشگیرانه ای که متضمن نادیده گرفتن حقوق غیر قابل نقض افراد و حاکمیت غیر انسانی است، مورد پذیرش قرار نمی گیرد.

3. Scraton

و نمی‌تواند راهبرد پیشگیرانه خود را با عدول از آموزه‌های حقوق بشری ترسیم کند، وانگهی نقطه بارز نظام حقوق بشر ایجاد تدابیر حمایتی استحکام بخش است که می‌تواند در قلمرو بین‌المللی و داخلی قابل اعمال باشد؛ آن چنان که حاکمیت قانون در تمام سطوح پیشگیری از جرم رعایت شده و فرهنگ قانون‌مداری نیز در این قلمرو به طور جدی تقویت می‌شود.^۱

به عبارت دیگر حاکمیت قانون به عنوان تمکین همه افراد جامعه و دولت از آنچه در قالب قانون اساسی، مصوبات مجلس و دیگر منابع الزام‌آور حقوقی تدوین شده است، ظاهر می‌شود؛ اما این مهم از حیث الزام‌آور بودن حقوق و قوانین حاکم بر جامعه در دولت‌های قانون‌مدار برخلاف دولت‌های اقتدارگرا امری بدیهی است؛ به نحوی که در جوامع مردم‌سالار قواعد و الزام‌های حقوقی برای دولت ایجاد تعهد می‌کند. بدین‌سان همان‌گونه که هنجارهای حقوقی به عنوان شالوده نظام حقوقی شکل می‌گیرند، اجرای آنها به همراه وجود تضمین‌های لازم برای جلوگیری از نقض آنها مدنظر است. روشن است که دو مؤلفه یادشده مکمل یکدیگر بوده و نقض هریک از آنها عملکرد دیگری را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد. راهبرد پیشگیری از جرم نیز متضمن اصول حاکم بر اشکال و گونه‌های مختلف پیشگیری از جرم است که باید علاوه بر تأمین امنیت شهروندان و نظم عمومی، بر مبنای منطق جرم‌شناختی شکل گرفته و از ضمانت‌اجراه‌های لازم برخوردار باشد. بر این اساس، تقید حاکمان به تأسی از اصل برتری قانون اساسی مدنظر قرار گرفته و خاصه برای زمامداران و هریک از نهادهای دولتی به عنوان اصول فراتقنینی مرجح است؛ آن چنان که قانون‌گذار یا نمایندگان برآمده از جانب مردم و متولیان سیاست جنایی با عناوینی همچون نظم و امنیت، نمی‌توانند حقوق برتر مندرج در این قوانین را نادیده انگارند.

به نظر می‌رسد با توجه به تغلیب گونه پیشگیری وضعی در بیشتر کشورها، جهت‌مند شدن دولت‌ها به سمت ایجاد یک جامعه تحت کنترل و ملازمت نسبی این رویکرد با تحدید آزادی و حقوق افراد، جدای از لزوم تدوین حقوق پیشگیری از جرم داخلی، تنظیم سندی بین‌المللی با خصیصه الزام‌آور که به طور مصادیقی و مبسوط به شرایط بهره‌برداری از این پیشگیری می‌پردازد، در سطح جهانی راهگشا بوده و ضمن مرتفع کردن ابهامات، از توسعه اختیارات دولت‌ها در راستای گسترش پیشگیری‌های موقعیت‌مدار

۱. اگرچه از منظر اساتید، قبل از اینکه به پیشگیری و اجرای قانون پیشگیری از جرم بپردازیم، باید به فکر ایجاد یک مرکز مطالعات اخلاق اجتماعی باشیم، نهادی غیردولتی، متشکل از دانشگاهیان و اساتید حوزوی که منشأ بی‌اخلاقی‌ها و اعمال غیر مدنی را بررسی و واکاوی کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۴، ص ۱۰).

می‌کاهد. ضمن آنکه دقت در تنظیم حقوق پیشگیری از جرم، تدوین کتب دانشگاهی و تدریس این مهم با سرفصل مجزای حقوق پیشگیری از جرم در کنار دیگر رشته‌های مطالعاتی حقوقی قاعده‌مند می‌تواند مبین ارزش الزام‌آوری باشد که با مضامین هنجاری مربوط به راهبرد پیشگیری از جرم مرتبط باشد. روشن است در صورتی که نظارت‌های داخلی و بین‌المللی در قالب حقوق پیشگیری از جرم، کنوانسیون‌ها و رویه‌های بین‌المللی پیشگیری از جرم نمایان شود، شرایط ابقاء یا احیای مؤلفه‌های حقوق بشری که در چارچوب راهبرد پیشگیری از جرم دولت‌ها اجتناب‌ناپذیر است، تقویت شده و الزام دولت‌ها را به تأمین کرامت انسانی در عرصه پاسخ‌های کنشی سیاست جنایی ملتزم می‌سازد.

فهرست منابع

- ابراهیمی، شهرام. (۱۳۸۷). پیشگیری از جرم در چالش با موازین حقوق بشر. رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی. دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
- ابراهیمی، شهرام. (۱۳۹۱). بازپروری عادلانه مجرمان. آموزه‌های حقوق کیفری، ۷(۳)، صص ۱۵۱-۱۷۲.
- ابراهیمی، شهرام. (۱۳۹۴). پیشگیری از تکرار جرم در پرتو بازپذیرسازی اجتماعی بزهکاران. چاپ اول. تهران: نشر میزان.
- ابراهیمی، شهرام. (۱۳۹۶). جرم‌شناسی پیشگیری. چاپ چهارم. تهران: انتشارات میزان.
- ابراهیمی، شهرام. (۱۳۹۶). قانون پیشگیری از بزهکاری در فرانسه. در دست چاپ.
- بارانی، محمد. (۱۳۹۲). مبانی تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در پیشگیری از جرائم جهانی شده. مجله حقوقی بین‌المللی. ۳۰(۴۸)، صص ۱۰۱-۱۲۸.
- جندلی، منون. (۱۳۹۵). درآمدی بر پیشگیری از جرم. ابراهیمی، شهرام، ترجمه و تحقیق. چاپ اول. تهران: نشر میزان.
- دارابی، شهرداد و نجفی توانا، علی. (۱۳۹۵). مطالعه تطبیقی راهبرد پیشگیری از جرم در مدل‌های مردم‌سالار و اقتدارگرایی فراگیر سیاست جنایی. فصلنامه مفید - حقوق تطبیقی، ۴(۱۰۵)، صص ۱۸۷-۲۰۷.
- دارابی، شهرداد. (۱۳۹۷). پیشگیری از جرم در مدل مردم‌سالار سیاست جنایی. چاپ دوم. تهران: نشر میزان.
- دلماش مارتی، می‌ری. (۱۳۹۵). نظام‌های بزرگ سیاست جنایی. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، مترجم. چاپ سوم. تهران: نشر میزان.
- طاهری، سمانه. (۱۳۹۲). سیاست کیفری سخت‌گیرانه. چاپ اول. تهران: نشر میزان.
- قماش، سعید. (۱۳۹۲). کرامت انسانی و نقش آن در جرم‌انگاری. چاپ اول. تهران: نشر میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۷۵). سیاست جنایی سازمان ملل متحد. فصلنامه تحقیقات حقوقی، (۱۸)، صص ۲۸۷-۳۵۶.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۷۷). بزهکاری، احساس ناامنی و کنترل. مجله حقوقی دادگستری، (۲۲)، صص ۸۴-۴۳.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ غلامی، حسین؛ محمودی، فیروز و محمدی، قاسم. (۱۳۸۴). میزگرد عدالت برای بزه‌دیدگان. مجله حقوقی دادگستری، (۵۲ و ۵۳)، صص ۸-۷۴.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۱). در باره امنیت‌شناسی (از حق بر امنیت تا حق بر تأمین). دیباچه دز: رضوانی، سودابه. مدیریت انسان‌مدار ریسک جرم. چاپ اول. تهران: نشر میزان.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۲). درآمدی بر پژوهش در نظام عدالت کیفری، فرصت‌ها و چالش‌ها. دز: بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری. چاپ اول. تهران: انتشارات میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۳). درآمدی بر اساسی‌سازی حقوق کیفری دز: گرجی، علی اکبر. در تکاپوی حقوق عمومی. چاپ اول. تهران: انتشارات جنگل.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۴). به سوی تعریف یک سیاست ملی پیشگیری از بزهکاری. دیپاچه دز: براندون سی. ولش و دیود پی، فارینگتون. دانشنامه پیشگیری از جرم آکسفورد. چاپ اول. تهران: نشر میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۴). قانون پیشگیری از جرم، از تدوین تا تصویب. قابل‌بازیابی از: www.lawtest.ir
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۵). جرم‌شناسی حقوقی (درآمدی بر جرم‌شناسی حقوق کیفری عمومی). مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی. کتاب دوم. چاپ دوم. تهران: نشر میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۶). پیشگیری عادلانه از جرم دز: علوم جنایی، مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری. چاپ هفتم. تهران: انتشارات سمت.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۶). سیاست جنایی دز: دانشنامه علوم جنایی اقتصادی. نیازپور، امیرحسین، به کوشش. چاپ اول. تهران: نشر میزان.
- نوبهار، رحیم. (۱۳۹۳). اصل کمینه حقوق کیفری. دز: غلامی، حسین. اصل حداقل بودن حقوق جزا. چاپ اول، تهران: نشر میزان. نولته، ارنست. (۱۳۹۵). جنبش‌های فاشیستی؛ بحران لیبرالیسم و تکامل فاشیسم. تدینی، مهدی، مترجم. چاپ دوم، تهران: انتشارات ققنوس.
- نیازپور، امیرحسین. (۱۳۸۳). حقوق پیشگیری از بزهکاری در ایران. مجله حقوقی دادگستری، (۴۸ و ۴۹)، صص ۱۶۹-۲۲۶.
- نیازپور، امیرحسین. (۱۳۸۹). سرعت بخشی به فرایند کیفری؛ سازوکاری برای پیشگیری از بزهکاری. فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، ۱۲(۲۸)، صص ۳۶۳-۳۷۸.
- نیازپور، امیرحسین. (۱۳۹۳). اساسی‌سازی حقوق پیشگیری از جرم در ایران. پژوهش حقوق کیفری، ۲(۶)، صص ۹۱-۱۱۱.
- هاشمی، سید محمد. (۱۳۹۱). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. چاپ دوم. تهران: انتشارات میزان.

- Crawford, Adam. (2009). situating crime prevention policies in comparative perspective: policy travels, transfer & translation. Willan Publishing.
- Edwards, Adam & Hughes, Gordon. (2009). The prevention Turn & The promotion of safer communities in England & Walse, inventiveness & Governmental instabilities.
- Hebberecht, Patrick. (2009). crime prevention at the Belgian federal level: from a social democratic policy to a neoliberal & authoritarian policy in a social democratic context, in crime prevention policies comparative perspective, edited by Adam Crawford.
- Scraton, phill. (2003). Defining power & Changing knowledge: critical Analysis as Resistance in the UK. Cullompton: Willan Publishing.